



حمیدرضا تمدن

دبیرپرونده دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشگر تاریخ فقه و اندیشه اسلامی

+

محمود شاکر و نقدهای او بر مستشرقان

کتاب های محمود شاکر آکنده از اظهار نظر درباره پدیده شرق شناسی و مستشرقان است، اما به نظر نگارنده فهم درست نگاه او در این زمینه منوط به مطالعه آثار گوناگونش در کنار یکدیگر است. توضیح آنکه شاکر مقدمه کتاب بنامش درباره متنبی را «رسالة فی الطريق الی ثقافتنا» نامیده که بعدها به صورت کتابی جداگانه نیز منتشر شد. او در این مقدمه مفصل از سرآغاز شکل گیری استشرق و پدیدار شدن دسته ای به نام مستشرقان سخن گفته و با تمرکز بر مسئله «روش و پیشاروش (برابر ما قبل المنهج)» نقدهای بسیاری را روانه ایشان ساخته است، اما نکته قابل توجه در این زمینه این است که این نوشتار تنها به نکات نظری درباره «روش / پیشاروش» و «پیش فرض ها» ی پژوهش پرداخته است و یافتن تطبیق آن نکات توسط شاکر تنها با مطالعه آثار دیگرش، از جمله دو کتاب طبقات فحول الشعراء و أباطیل و أسمار، ممکن می شود (امری که علی رغم اهمیت شاکر حتی در جهان عرب نیز تاکنون انجام نگرفته است).

شاکر «رسالة فی الطريق الی ثقافتنا» را با بیان مختصری از حالات دوران جوانی خود و حیرتی که از سرگذرانده است آغاز می کند و همان جا اعتراف می کند که راه رهایی از این سرگشتگی را در رهیدن از غل و زنجیر روش های رایج ادبی، سیاسی، اجتماعی و دینی و آغاز سفری دور دراز در مسیر بازخوانی شعر عربی، ادبیات، فقه، حدیث، تاریخ و... تشخیص داده است. آنچه شاکر از سفرش در سر داشت این بود که خود، به دور از تحمیل هر عامل بیرونی، با غلتیدن در تار و پود متون و الفاظ و معانی شان آن نوای نهفته در پس کلمات را با گوش خود بشنود و طعمشان را با عقل، قلب و بصیرت خود بچشد.^۲ از این رو نیز روش خود را «منهج التذوق» نامیده است که البته ریشه های آن را به همان دوران نخستین شکل گیری اسلام و سپس آثار دانشمندی همچون سیبویه و عبدالقاهر جرجانی بازمی گرداند.^۳ بنابراین، از منظر او معنای روش به درستی درک نشده است.^۴

شاکر برای آنکه بتواند در عرصه آنچه پیشاروش یا ماقبل المنهج می نامد روش مستشرقان را به نقد بگیرد ابتدا از سه عنصر تشکیل دهنده پیشاروش که هر روشی بر آن بنا می شود سخن می گوید. این سه عنصر عبارت اند از:

الف) زبان
ب) فرهنگ

ج) اغراض و احوای نفسانی^۵

به باور شاکر، سخن گفتن درباره هر علم، دین، ملت و... نیازمند آگاهی کامل از دو عنصر نخست و رهایی از عنصر سوم است. او در ادامه مقصود خود را از هر عنصر بیان کرده و نقدهایش بر مستشرقان را در همین سه محور سامان داده است.

+

شکل گیری استشرق در ببحوه مواجهه اسلام و مسیحیت

شاکر نقدهایش بر مستشرقان و روش های مورد استفاده آنان را با سخن گفتن از دلایل اختلافش با روش های ادبی رایج در روزگار خویش و همچنین رد پای فرهنگ اروپایی در شکل گیری و



ثقافتنا سخن گفت که او نیز در فضای فرهنگی ایران، برخلاف جهان عرب، چندان شناخته شده نیست.

شاکر به سال ۱۹۰۹م در شهر اسکندریه مصر زاده شد و در پی علاقه فراوانش به شعر و ادبیات عرب کوشید تا در رشته زبان و ادبیات عرب مشغول به تحصیل شود، اما این امر جز با وساطت ادیب نامدار جهان عرب، طه حسین، میسر نشد. به هر حال طه حسین همان طور که سبب پیوستن شاکر به دانشگاه بود، موجب گسستن او از آن فضا نیز شد. توضیح آنکه نقدهای طه حسین نسبت به شعر جاهلی و همچنین یکسره ساختگی خواندن آن اشعار به مذاق شاکر جوان که از قضا پیش تر نوشته های دیوید ساموئل مارگلیوث درباره اصالت شعر جاهلی را خوانده بود خوش نیامد و نزاع علمی او با استادش وی را بر آن داشت که دست از دانشگاه بشوید و راه دیگری را برای آموختن ادبیات و فرهنگ عربی-اسلامی برگزیند. از همان دوران بود که اظهار نظرهای ناپخته مستشرقان درباره میراث اسلامی او را می آزد و آنچه بر این رنج و آزار می افزود تکرار مقلدانة نظر آنان توسط محققان مسلمان، آن هم در دانشگاه های سرزمین های اسلامی بود.